

صدرالمآلین به روایت داستان نویس

به مناسبت سالروز بزرگداشت ملاصدرا، حکیم و فیلسوف نامدار ایرانی

سنایادی

امروز یکم خرداد سالروز بزرگداشت ملاصدرا، حکیم برجسته ایرانی است. صدرالدین محمد بن ابراهیم قوام شیرازی (۱۰۴۵- ۹۷۹ هجری قمری) مشهور به مُلاصدرا و صدرالمآلین را با حکمت متعالیه می‌شناسند. آثار حکمی او را آمیزه اندیشه‌های فلسفه اسلامی پیش از وی دانسته‌اند و جایگاه والایی در تاریخ فلسفه اسلامی دارد. درباره او کتاب‌ها و مقالات گوناگونی نوشته شده است که به بررسی زندگی و باورهایش می‌پردازد. اما اهالی ادبیات داستانی نیز از ملاصدرا چندان غافل نبوده‌اند. در ادامه دو کتاب داستانی درباره او معرفی می‌کنیم.

- تألیفی که ترجمه جازده شد!



یکی از کتاب‌های معروفی که با بیانی داستانی درباره صدرالمآلین در ایران منتشر شده، «ملاصدرا»ی ذبیح... منصوری است. البته منصوری بر روی جلد و در شناسنامه کتابش نوشته‌اند آن را هانری گرین - ایران شناس و اسلام شناس مشهور فرانسوی - و خود را مترجم اثر معرفی کرده است اما امروز دیگر پوشیده نیست که این واقعیت ندارد! معروف است که او برخی کتاب‌ها را خود می‌نوشته یا متن فرانسوی اثر را پر و پال می‌داده اما نام خود را به عنوان مترجم یا اقتباس‌کننده در کتاب درج می‌کرده است. صرف نظر از اینکه آیا بحث اعتمادبه نفس پایین این نویسنده مشهور در میان است یا عواملی دیگر، ذبیح... منصوری زمانی جزو پرمخاطب‌های بازار کتاب ایران بود. مطالعه و اطلاعات عمومی درخور توجهی داشت و هزاران صفحه ترجمه یا ترجمه و اقتباس یا شاید تألیف را منتشر ساخت که بعضاً درباره تاریخ بود. یکی از این آثار «ملاصدرا» است که می‌گویند اصل آن مقاله‌ای چند صفحه‌ای بوده و منصوری مقاله را به کتابی چند صفحه‌ای تبدیل کرده است! بخشی از کتاب را بخوانید:
خانه ابراهیم امین‌التجار در محله «قوام» بود که امروز خیابان لطفعلی‌خان زند جایش را گرفته و در آن محله مکتب‌خانه‌ای وجود داشت و مردی موسوم به «ملاحمد» آن مکتب‌خانه را اداره می‌کرد. ابراهیم امین‌التجار روزی هنگام عبور از مقابل مکتب‌خانه وارد دبستان ملااحمد گردید و گفت من میل دارم که پسرم محمد نزد شما درس بخواند و خواندن و نوشتن و قرائت قرآن را بیاموزد و فردا صبح پسرم را با آنچه باید در آغاز ورود طفل به مکتب تقدیم شود به اینجا خواهند آورد و من از شما انتظار دارم که از او سرپرستی کنید تا اینکه دارای سواد شود و لاقابل بتواند دستک‌های حجره ما را بنویسد، و ملاحمد گفت اطمینان داشته باشید که از او مثل فرزند خود سرپرستی خواهیم کرد. صبح روز بعد، خادمی آن طفل را به مکتب آورد و یک قواره «ابر» یعنی پارچه روی لباس او یک پیمانه شکر بنگاله و یک جفت پای‌افزار از نوع گیوه‌های ظریف که در شیراز به اسم ملکی خوانده می‌شد از طرف پدر محمد به آموزگار مکتب تقدیم کرد. آنچه در آن روز به ملاحمد تقدیم شد، هدیه‌ای بود که هرکس می‌خواست طفل خود را به مکتب بفرستد به آموزگار می‌داد با این تفاوت که هدیه افراد باضاعت‌گرا ن بهاتر و بهتر از هدیه افراد کم‌بضاعت بود و بعد از اینکه طفل را به مکتب می‌سپردند فصل به فصل حق الزحمه آموزگار را می‌پرداختند. محمد در دبستان مشغول تحصیل شد و پدرش برای آوردن مروارید به مکانی رفت که در قدیم موسوم بود به «مغاص لؤلؤ» نزدیک جزایر بحرین در خلیج فارس یعنی جایی که غواصان در آنجا زیر آب می‌روند تا جانور جانی را که دارای مروارید است از کف دریا خارج نمایند.»

- فیلسوفانی از روزگار صفوی

ظاهرا نویسنده های پرکار حال و حوصله بیشتری برای نوشتن از حکیم نامدار ایرانی داشته‌اند! نادر ابراهیمی یکی از این اهالی قلم است که در رمان «مردی در تبعید ابدی» ضمن روایت داستان زندگی ملاصدرای شیرازی، خواننده را با اندیشه‌های فلسفی و عرفانی صدرالمآلین هم آشنا می‌کند. داستان در شانزده فصل ارائه می‌شود. در آغاز، ما با ماجرای تبعید ملاصدرا

به امر شاه عباس صفوی رویه‌رو می‌شویم و سپس شرح همراهی او و همسرش و خستگی راه و بیماری دخترشان می‌آید. در این اثر، از سه شخصیت نامدار دیگر در حکمت و اندیشه اسلامی یعنی میرداماد و میرفندرسکی و شیخ بهاء‌الدین عاملی هم یاد می‌شود. در بخشی از متن کتاب آمده: « عشق به دیگری»، ضرورتی است که از حادثه برمی‌خیزد نه از اراده به انتخاب، و همین، کار را مشکل می‌کند. در به در که نمی‌توان به دنبال محبوب خاکی گشت. در هر خانه‌ا که نمی‌توان کوبید و پرسید: “آیا یار من، اینجا منزل نکرده است؟” سر هر گداز، همچو او باش. نمی‌توان اِستاد و در انتظار عبور یار، زمان را گشت... و همین هاست که کار را مشکل می‌کند.»

زین قدیر

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

- ناوبراسته**✖

مویان در این باره گفت: «من چندروز تلاش کردم تا یک متن مناسب بنویسم اما موفق نشدم، بنابراین از یک دانشجوی دکتر ا خواستم که با استفاده از چت جی‌بی‌تی یک متن مناسب سخنرانی برای من بنویسد.

- ویراسته**✔

مویان در این باره گفت: «من چندروز تلاش کردم تا یک متن مناسب بنویسم، اما موفق نشدم، بنابراین، از یک دانشجوی دکتر ا خواستم که با استفاده از چت جی‌بی‌تی متنی مناسب سخنرانی برای من بنویسد.»

نکته

-بی‌دقتی در نشانه‌گذاری

-گیومه بسته نشده است.

-جائمانی بقیه نشانه‌ها هم دقیق نیست.

#زین-قدیراسی

شعر آیینی و باید و نبایدهای آن در گفت وگو با شاعران مشهد

بهره شاعرانه از حریم مطهر رضوی

مریم محبی



سردن اشعار آیینی و در اینجا به معنای دقیق تر

شعرهایی با درون مایه‌های مذهبی، حکم راه رفتن

روی لبه تیغ را دارد. شاعر آیینی می‌داند یا باید

بداند هنگام سرودن چنین آثاری در مرزی حرکت

می‌کند که مسائلی چون به کار بردن واژه های

- بهترین شاعران آیینی را ما مشه‌دی‌ها داریم

مصطفی جلیلیان مصلحی می‌گوید: خراسان پیشینه ارجمند و ماندگاری در تاریخ ادبیات دارد. این واقعیتی است که همچنان مصداق دارد و در بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با شاعران نیز به آن اشاره شده است. به سبب وجود مرقد مبارک حضرت رضا^ع در مشهد و استان خراسان، بی شک اثربخشی‌ها و زیبایی‌های مثال‌زدنی و برجسته‌ای در اشعار شاعران این خطه جلوه یافته است. نوآوری و بدعت‌هایی که در آثار شاعران آیینی، به ویژه چکامه‌سرایان استانمان می‌بینیم به راستی چشم نواز است. ما شاعران برجسته‌ای در شهر و دیارمان داریم که به موضوع رضوی خوب پرداخته‌اند و به‌ارمن، مابترین شاعران آیینی کشور را داریم و در جشنواره شعر رضوی همواره آثار برگزیده هم‌شهری‌ها و هم‌استانی‌هایمان دیده می‌شود. شاید باید این اتفاق را اثر همین هم‌جواری با حجر مطهر دانست. این هم‌جواری شاعر را مجهزتر کرده است و در نتیجه می‌تواند باورمندانه‌تر به مطالعه در شعر بپردازد و خود را از نرزدبان شعر آیینی که نمودار اخلاص و حضور است، بالا بکشد.

- دچار همگون‌سرایی شده‌ایم

این شاعر مشهدی در ادامه به آسیب‌شناسی در شعر رضوی می‌پردازد: نخستین آسیبی که می‌توان در حوزه شعر آیینی و شعر رضوی از آن نام برد، ضعف در مضمون شناسی است. ما باید در این حیطه بسیار دقیق عمل کنیم. وقتی آثار متعددی را می‌کاویم که در قالب‌های متنوعی چون غزل، مثنوی، رباعی و حتی شعر نو و آزاد به جشنواره‌ها می‌رسد، درمی‌یابیم که آثار، بسیار شبیه به یکدیگر است و انگار همه را یک شاعر سروده است و ما دچار از یک دریچه سرودن یا همگون‌سرایی هستیم. در حالی که شاعر جوان ما باید بداند دستش باز است و برای مثال، درباره حادثه کرلا، پنجره‌های متعددی وجود دارد که می‌تواند از زاویه این‌ها به این واقعه مهم بنگرد. در شعر رضوی نیز به همین صورت، لزومی ندارد شاعر حتماً از نمادهایی چون توسل و زیارت و کبوتر و پنجره و ضریح بگوید. این‌ها نمادهای مقدسی است که بارها و بارها دستمایه شعر شاعران گوناگون قرار گرفته است. شاعر باید از یک جایگاه مضمونی دیگر به موضوع بنگرد و این، می‌تواند نخستین نوآوری باشد.

- شاعر باید دریچه‌ای تازه به موضوع بگشاید

ضعف مطالعه و ضعف تألیف دومین نکته‌ای است که مصلحی به آن اشاره می‌کند: شوربختانه بسیاری از شاعران مطرح ما که سال‌های سال در وادی شعر و شاعری قلم زده‌اند دچار این کوتاهی شده‌اند. بسیاری از جوان‌های ما هم مدام دقت می‌کنند که شاعران مطرح دیگر چه می‌گویند تا بتوانند دنباله‌رو آن‌ها باشند، حتی در ورود به مسائل تاریخی. ما منابع و مآخذ گوناگونی در حوزه ادبیات رضوی داریم، اما نکته اینجااست که شاعر باید بتواند هم درست‌استدلال کند و هم‌استناد دقیق بدهد. برای مثال، بسیاری از علمای ما روی موضوع ضامن اهو صحه‌گذاشتند، اما آیا شاعر می‌تواند دریچه‌ای تازه به این موضوع بگشاید یا باید دقیقاً به بیان ساده موضوع اشاره کند؟ اینجااست که به بحث زیبایی‌شناسی و نمادشناسی نیز ورود می‌کنیم. باید گفت شاعری که زبانش شعرش نیرومند باشد

نامناسب یا اشاره به مضامین و وقایع غیرمستدل، تخطی از آن است.

شاعران کارگشته با ترسیم حدود این مرز، مدام اهمیتش را به

تازه‌کارها گوشزد می‌کنند اما اگر بخواهیم به گونه‌ای مشخص به

این مقوله بپردازیم، حدود مرزهای سرودن شعر آیینی کجاست؟

چهارچوب‌ها و خط قرمزهای آن کدام است؟ آیا برای سرودن اشعاری

با درون‌مایه مذهبی، طبع آزمایی شاعر مبتنی بر چه اختیارات و

شرایطی است؟ جایگاه زبان و بیان در این آثار کجاست؟ و یک سؤال

- شهر اهل بیت^ع باید بهترین شهر باشد

این شاعر آیینی معتقد است اکنون ادبیات دانشگاهی ما از ادبیات معاصر غافل مانده و فاصله پژوهش‌های دانشگاهی ما با شعر معاصر و نه فقط شعر آیینی، بسیار زیاد است؛ بیشتر از ۷۰ درصد پژوهش‌های دانشگاهی به اشعار قدما پرداخته است و این گذشته گزایی جریان شعر معاصر را را کد نگه داشته است. در صورتی که باید کم‌کم پوست انداخت و به سوی شعر روزگار آمد و زیبایی‌هایی که در آن رقم می‌خورد، او ادامه می‌دهد: شعری که می‌خواهیم برای اهل بیت^ع بسازیم باید بهترین باشد. این سخنی است که استاد کمال

همیشه گوشزد می‌کرد. ایشان می‌گفت لازمه این بهترین شدن، مطالعه و توجه به پیشینیان است. یعنی شاعر جوانی که می‌خواهد در این وادی قلم‌بزند باید خود را موظف به مطالعه همه متون و گونه‌ها بداند. البته، در کنار توجهی که جوان‌ها باید به استادان و پیشینیان خود داشته باشند، شاگردپوری استادان نیز نباید فراموش شود. درواقع یک ارتباط دوطرفه باید وجود داشته باشد. برای مثال، استاد محمدعلی مجاهدی در قم، شاعری چون سیدحمیدرضا ربیعی را که اکنون در شعر آیینی شهره است، پرورش می‌دهد و به جامعه می‌شناساند. به نظر ما در خراسان برای معرفی شاگردان پرمایه و شناساندن شعر معاصرمان به کل کشور کمرنگ عمل کرده‌ایم. هریک از اصحاب و متولیان فرهنگی ما رسالت دارند در این زمینه بهتر عمل کنند و به اعتقاد من، استادان در این حوزه، از جنس متولیان فرهنگی شمرده می‌شوند.

- به رغم پیشرفت فراوان هنوز حرف برای گفتن داریم

سیدحسین سیدی هم درباره وضعیت شعر آیینی ما می‌گوید: بیان وضعیت یک امر نسبی است. با این حال، باید گفت اوضاع خوب‌ونسبت‌به‌گذشته خیلی پیشرفت کرده است. اما سؤاال مهم‌تر این است که آیا شعر

آیینی به کمال خود رسیده است؟ در

سال‌های اخیر شعر آیینی ما هم از

نظر زبانی و هم به لحاظ ساختاری،

بسیار متغیر بوده است، طوری که

هم بهترین شعرهای آیینی را در

چند سال اخیر شنیده‌ایم و هم

بدترین‌ها را. مشهد در این میان

وضعیت خوبی دارد. وجود

کلی‌تر، اوضاع و احوال سروده‌های آیینی، چه در کشور و چه در خراسان و مشهد خودمان که از بارگاه حضرت رضا^ع بهره‌مند است، چگونه است؟ این دغدغه‌ها محور مطلب پیش‌رو و گفت‌وگوهایی است که با مصطفی جلیلیان مصلحی، شاعر و پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی و سیدحسین سیدی و سیدحسن مبارز، از شاعران آیینی و شناخته‌شده شهر مشهد، انجام دادیم.

- استفاده کرد.

او در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: نباید از آزمون و خطا رسید اما از اینکه در بد جایی آزمون و خطا کنیم چرا. به‌عنوان مثال، جایی که تعداد زیادی آدم صدای تو را به عنوان صدای شاعر می‌شنوند جای خطا کردن نیست. قیلس اما چرا. طبیعی است که آدم اشتباه کند. جلسات نقد و بررسی برای همین است. استاد قهاری باید باشد تا به شاعر مبتدی بگوید شعرش مورد تأیید است یا نه. در این حوزه هم با همین آزمون و خطاهاست که استعدادها شناسایی می‌شود تا در نهایت از دل این آزمون و خطاها زیباترین و بهترین و کامل‌ترین راه‌ها را پیدا کنیم.

● شاعر آیینی باید آگاهی‌اش را درباره امام ارتقا دهد
سید حسن مبارز معتقد است هنر و به ویژه شعر آیینی می‌تواند تحت‌تأثیر اماکن مذهبی و معنوی باشد. او می‌گوید: این اثرگذاری در طول تاریخ در اماکن معنوی گوناگون اتفاق افتاده و شهر مشهد نیز از این قوی مستثنا نیست. اما آنچه همواره باعث افت هنر و شعر آیینی می‌شود این است که شاعر صرفاً به وجود حرم مطهر در شهر مشهد اکتفا کند و مضمون پردازی و نگاه یکنواخت به صرف حضور مرقد مطهر امام رضا^ع در مشهد، آثاری کلیشه‌ای خواهد شد. بنابراین، شاعر برای رشد و ارتقای شعر آیینی باید به مقوله‌هایی همچون شناخت تاریخی امام و جهان بینی حضرت و سیره زندگی ایشان توجه بیشتری داشته‌باشد. روی هم‌رفته، به نظر می‌رسد شاعران آیینی هرچند قدم‌های ارزشمندی برداشته‌اند، هنوز آن‌گونه که بایسته و شایسته است نتوانسته‌اند از ظرفیت حضور معنوی امام استفاده کنند.

● شعر آیینی باید پیراسته از افراط و تفریط باشد
این شاعر آیینی درباره آزمون و خطا کردن در شعر آیینی اظهار می‌کند: بدون شک شاعران اجازه دارند در هر موضوعی طبع آزمایی کنند و شعر آیینی نیز از این جریان مستثنا نیست، اما بهتر است قبل از انتشار ادبیات در معرض نقد و نظر قرار دهند تا به نقاط قوت و ضعف شعر خویش واقف شوند. از دید او، حدودمرز شعر آیینی، خود میحث گسترده‌ای است که اجمالا درباره‌اش می‌توان این نکات را مطرح کرد: شاعر باید توجه داشته‌باشد که شعر آیینی یا به تعبیری خاص‌تر، شعر اهل بیتهی او با اصول اعتقادی شیعه در تعارض نباشد و باعث وهن مذهب نباشد. شعر آیینی یک شاعر صرفاً اثر هنری خود او نیست بلکه گاه تبدیل به جهان بینی نوجوانان هیبتی و مسجدی می‌شود و ازاین‌رو شعر او باید از هرگونه افراط و تفریط پیراسته باشد.



نوشته ایزابل آلتده، «آبگوشت میخ، دربردارنده منتخبی از قصه‌های عامیانه اروپا، نمایشنامه، در انتظار گودو، اثر ساموئل بکت و «بنج‌نمایشنامه، از هنریک ایبسن، اثر پژوهشی «عهد عتیق و جدید، که ترجمه و تألیفی بر پایه نوشته‌های جرال دلارو بود، «تئوری بنیادی هنر تئاتر، تألیف کنستانتین استانیسلاوسکی شعاری از برگردان‌های فارسی مرحوم اصغر رستگار است. «جنایت و مکافات، با ترجمه او در نوزدهمین دوره از جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران درخشید و جزو آثار برگزیده قرار گرفت. این مترجم بی‌حاشیه، ساکن اصفهان و عضو شورای دبیران فصلنامه زنده‌رود بود و بناست خاک‌سپاری‌اش در قطعه نام‌آوران باغ رضوان اصفهان انجام شود.

و «برادران کارماژف، اثر فیودار داستایفسکی، آتشی که نگرفت، از جک لندن، «ازعشق وسایه‌ها،

زمینه‌های دیگری چون ادیان و ادبیات نمایشی را هم شامل می‌شد. رمان‌های «جنایت و مکافات،



پیکر مترجم فقید ایرانی در باغ‌رضوان اصفهان که خاک سپرده خواهد شد. اصغر رستگار که

آثار گوناگونی از ترجمه‌های او در بازار کتاب ایران انتشار یافته، بعد از ظهر چهارشنبه هفته گذشته در هفتاد و چهار سالگی بر اثر ایست قلبی جان به جان آفرین تسلیم کرد. او یازدهم خرداد ۱۳۲۸ در تهران زاده شد. در دوران دانشجویی، فعالیت در حوزه‌های گوناگونی مانند بازیگری تئاتر و نویسندگی و ترجمه را آغاز کرد اما طی سال‌های طولانی کار فرهنگی، پیش از همه با ترجمه‌هایش شناخته‌شد. این‌برگردان‌ها اغلب در حوزه ادبیات داستانی بود، اما